

تحلیل خطبه حضرت زینب (س) در مجلس یزید

مؤلف: فروزان پشتیبان¹

چکیده:

این مقاله با هدف شناخت خطبه حضرت زینب (س) در مجلس یزید و در پی پاسخ به این سوال که چه تحلیلی می توان از خطبه آن حضرت ارائه داد؟ نگاشته شده است. نگارنده با مطالعه سیره و تراجم و کتب تاریخی مربوط به واقعه عاشورا، بررسی زندگانی حضرت زینب (س) و تحلیل داده ها به این نتیجه رسیده که حضرت زینب(س) در شیوه تبلیغی خود به ویژه در خطبه هایش می کوشد ضمن بیان افتخار و عزت اسلام و خاندان نبوت پرده از نفاق امویان بردارد و با استنادهای تاریخی خود خاندان اموی را رسوا و ادعاهای پوچ و بی اساس آن ها را در تاریخ برملا کند.

کلید واژه: تحلیل - خطبه - حضرت زینب(س) - یزید

¹ طلبه سطح دو پایه دوم حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س) شهرستان قائمشهر

مقدمه

حضرت زینب(س) با احاطه کامل بر جریان های سیاسی، فرهنگی و تبلیغی منجر به سلطه و استبداد امویان عمدتاً مشغول آگاهی بخشی مردم و رسوا کردن این خاندان بود. ایشان خطبه ای را در شام و در مجلس یزید و در بین کارگزاران حکومتی وی ایراد نمود. عقیده بنی هاشم(س) در این مجلس، یزید را بر جنایت ها و بیدادگری هایش محکوم ساخت، ننگ و رسوایی او را آشکار نمود و به خوبی نشان داد فاجعه دردناک شهادت و اسارت، کوچکترین ضربه روحی و انسانی بر دودمان پاک امیرالمومنین وارد نساخت.

نگارنده با بررسی کتب و مقالات مختلف به کتاب یا پژوهشی که به طور خاص به موضوع مقاله پرداخته باشد برخورد کرده است اما برخی از نویسندگان در بخش هایی از مقاله خود به این موضوع اشاره کرده اند از جمله:

« اصول مبارزه عاشورایی در خطبه حضرت زینب(س) » از سرور اسفندیار در سال 1387، « تحلیل گفتمان ادبی خطبه های حضرت زینب (س) » از کبری روشنفکر و دانش محمدی در سال 1389 و « سخنرانی حضرت زینب(س) در شام و پیام های آموزنده آن » از عبدالکریم پاک نیا تبریزی در سال 1389 نگاشته شده است.

با بررسی کتب مختلف و با ملاحظه به اینکه اکثر نویسندگان به تحلیل کلام ایشان با استناد به جنبه هایی محدود از ساختارهای متنی کلام اکتفا کرده و با توجه به اینکه تحلیل کلام حضرت زینب (س) اگرچه بارها و بارها صورت گرفته ولی با هر بار کاوش در کلام ایشان می توان دری از درهای فصاحت و بلاغت ایشان را بر همگان باز نمود، این ضرورت برایمان ایجاد شد تا تمام زیبایی های ساختارهای متنی کلام ایشان، از ساختارهای کلی و بنایی آن تا ساختارهای اسلوبی و درونی همگی در ارتباط با بافت موقعیتی و تاثیرات شگرف آن را باز شناسیم.

حاصل آن که سفیر کربلا با بیانی شیوا و رسا و موقعیت شناسی عالی و با استشهاد به آیات الهی، یکی پس از دیگری، گمانه زنی های یزید مبنی بر پیروزی بر اهل بیت (ع) و تلاش او را برای تحریف واقعه کربلا باطل می کند.

کلام ایشان در کاخ یزید حقانیت امام حسین (ع) و باطل بودن اعمال یزید را آشکار ساخت. آن حضرت با انجام رسالت خویش تبلیغات دروغین بنی امیه را خنثی و زمینه بیداری اهل شام را فراهم نمود.

حضرت زینب (س) در این خطبه نهضت حسینی را به کمال رساند و اصول مبارزاتی و انقلابی قیام عاشورا را برای جهانیان تبیین نمود. خطبه ای که در واقع متمم نهضت امام حسین (ع) است.

مفهوم شناسی

تحلیل: حل کردن، گشودن (عمید، 1386، ص 417) از هم گشادن، تجزیه کردن (معین 1386، ص 315)

گشودن نکات مهم یک موضوع را گویند.

خطبه: خطابه، کلام خطیب، وعظ و سخنرانی (عمید، 1386، ص 602) سخنرانی، سخنوری، وعظ، موعظه، نصیحت خلق (معین، 1386، ص 419)

سخنرانی و موعظه در مورد موضوعی خاص را گویند.

حضرت زینب (س): زینب، دختر امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب عبد مناف بن عبدالمطلب بن بنی هاشم قرشی، مادرش فاطمه زهرا (علیها السلام)، دخت گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. در زمان حیات پیامبر به دنیا آمد. کنیه هایش امّ کلثوم، امّ عبدالله و ام الحسن است. برایش کنیه های مخصوصی همچون امّ المصائب، امّ الرزایا، امّ النوائب ذکر کرده اند. هاشمیان در تاریخ، او را «عقیله»ی خود معرفی می کنند و این لقب منحصرأً به حضرت زینب (سلام الله علیها) تعلق دارد. ولادت آن حضرت به حسب اختلافی که در نقل وجود دارد در سال پنجم و یا ششم هجرت نبوی (ص) واقع شد و علی المعروف نامگذاری آن حضرت را به جد بزرگوارش پیامبر اکرم (ص) واگذار نمودند و آن حضرت او را زینب نامیدند که به معنی درخت خوش منظر یا مرکب از زین و آب است به معنی زینت پدر. (جبل عاملی - ج 1 - ص 327)

یزید: پسر معاویه نوه ابوسفیان

بنابراین تحلیل خطبه حضرت زینب (س) یعنی:

از هم گشادن و تجزیه سخنرانی و کلام دختر گرامی امیرالمؤمنین (ع) در مجلس یزید

تحلیل بافت متنی خطبه حضرت زینب(س) در مجلس یزید

تحلیل بافت بنایی خطبه

این خطبه با حمد و سپاس خدا و صلوات بر محمد(ص) و اهل بیتش آغاز می شود. حضرت زینب(س) در جای جای این خطبه، با زیبایی و موقعیت شناسی بسیار عالی و با استشهاد به آیات الهی، یکی پس از دیگری، گمانه زنی های یزید مبنی بر پیروزی بر اهل بیت و تلاش او را برای تحریف واقعۀ کربلا، باطل می کند. شاید بتوان متن اصلی خطبه را به چند بخش یا مرحله تقسیم کرد:

1) شکر الهی در همه حال

امام صادق(ع) می فرماید: «إِصْبِرْ نَفْسَكَ عِنْدَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ رَزِيَّةٍ فِي وَدِّ أَوْ فِي مَالٍ فَإِنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يَقْبِضُ عَارِيَّتَهُ وَ هَبَّتْهُ لِيَبْلُوَ شُكْرَكَ وَ صَبْرَكَ؛ خود را در مقابل هر بلا و گرفتاری در مال و اولاد، صابر و شکیبا بساز که خداوند، امانتها و بخشش خود را باز پس می گیرد تا اینکه صبر و شکر تو را بیازماید.» (مجلسی - 1364 - ج 68 - ص 94)

دختر گرامی علی نیز در اوج مصائب و گرفتاریها، به عنوان یک بنده کامل، شاکر و صابر، اول به حمد و ستایش خداوند می پردازد و این گونه سخن خود را آغاز می کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ؛ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار عالمیان است و سلام و درود خدا بر پیامبر و خاندان او باد» (سید ابن طاووس - 1385 - صص 236-237)

2) مفسر آگاه قرآن

استناد به آیات قرآن برای هر گوینده ای ضرورت دارد؛ زیرا کلام وحی یکی از منابع متقن و قابل پذیرش جامعه بشری است و ریشه در فطرت انسانها دارد و دلهای حقیقت جو و کمال طلب از آن استقبال می کنند. رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «علیکم بالقرآن فاتخذوه اماما و قائدا، فانه کلام رب العالمین؛ بر شما باد قرآن که آن را پیشوا و رهبر خود قرار دهید؛ زیرا گفتار پروردگار جهانیان است.» (اربلی - بی تا - ج 2 - ص 164)

به این سبب، آن حضرت در این خطابه تاریخی، بارها به آیات وحی استناد کرد و به سخنان شیوای خود استحکام بخشید. ایشان پس از درود و سلام بر پیامبر خدا (ص) و خاندان او، با آیه قرآن شروع می کند و می فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السَّوَاىِٕ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ؛ فرجام آنان که مرتکب گناه شدند این بود که آیات خدا را دروغ نشمردند و به تمسخر آن پرداختند.» (روم/ 10)

و اینچنین سوء عاقبت ایشان را به آنها گوشزد می کند. (شجاعی - 1382 - ص 201)

انتخاب آیات، نشانگر حضور ذهن و آرامش خاطر و تسلط کامل ایشان بر قرآن کریم است. (فرامرزی - 1385 - ص 22 - برگرفته از سایت حوزه)

3) موقتی بودن پیروزی ستمگران

بدون تردید، ستم و ستمگران، محکوم به فنا و نابودی هستند و آنان در این جهان، طبق سنت تغییرناپذیر الهی، کیفر اعمال زشت خود را به زودی خواهند دید. رسول خدا(ص) فرموده است: «ثَلَاثٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجَّلُ عُقُوبَتُهَا وَ لَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ عُقُوبُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْبُعَى عَلَى النَّاسِ وَ كُفْرُ الْإِحْسَانِ؛ سه دسته از گناهان است که در کیفر آن، عجله و شتاب می‌شود و کیفر آن به آخرت نمی‌ماند: ناراضی ساختن پدر و مادر، ستم بر مردم و ناسپاسی در برابر احسان [دیگران]». (شیخ مفید - 1413 - ص 237)

حضرت علی(ع) نیز فرمود: «فَاللَّهِ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبُعَى وَ آجَلِ وَخَامَةِ الظُّلْمِ؛ پس، خدا را! خدا را! از تعجیل [در عقوبت و کیفر] ظلم و ستم بر حذر باشید، و از آینده دردناک ظلم [بترسید]». (نهج البلاغه خطبه 192)

حضرت زینب(س) با توجه به این حقیقت، این سنت الهی را به رخ یزید کشید و با استیضاح یزید، پیروزی خیالی وی را به سخره گرفت و به تمام ستمگران و مستکبران عالم فهمانید که لذت حیوانی غلبه اهل باطل بر لشکریان حق، موقتی است و خیلی زود به پایان خواهد رسید و آثار زشت جنایات آنان در پرونده ننگینشان برای همیشه باقی خواهد ماند و در این باره فرمود: «أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَ آفَاقَ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تُسَاقُ الْأَسَارَى؛ ای یزید! تو چنین می‌پنداری که چون اطراف زمین و آفاق آسمان را بر ما بستی تا آنجا که ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی.» (پاک نیا - 1389 - ش 129 - برگرفته از سایت ذی طوی)

4) مهلت خداوند به ستمگران

سنت تغییرناپذیر خداوند متعال، هشدار برای همه اهل باطل است که حتماً از عواقب کار خود بترسند. مهلت دادن خداوند به اهل باطل نه به سود آنان، بلکه برای آزمایش و سنگینی گناه و مجازات بیش‌ترشان است؛ چنان که می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَ أَمَلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ؛ و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی‌دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد و به آنها مهلت می‌دهیم؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی و حساب شده است.» (اعراف/ 182-183)

عقیله بنی هاشم سپس آیه دیگری تلاوت می‌فرماید تا آنچه را یزید فراموش کرده، به خاطرش آورد و بر خود چندان مغرور نباشد که خداوند بنا بر قاعده املاء خویش به آنان، مهلت و فرصت داده است تا در ظلم خود هلاک شوند.

«لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ؛ آنان که کفر ورزیدند گمان نکنند که مهلت ما به سود آنهاست. ما به آنها مهلت و فرصت می‌دهیم تا بر گناهانشان بیفزایند و عذابی دردناک در انتظار آنان است.» (آل عمران / 178) (شجاعی - 1382 - ص 201)

5) تفاوت عدالت الهی با عدالت یزیدی!؟

استفاده ابزاری از مذهب، از حربه‌های رایج اهل باطل در فریب دادن افکار عمومی است. آنان از واژه‌های مقدس برای تحمیل حکومت خود و سلطه بیش‌تر بهره می‌برند؛ همچنان که امروزه هم، این رسم پا برجاست. کلمات مقدس عدالت، آزادی، حقوق بشر، اصلاحات، از جمله واژه‌های مردم فریبی است که مورد سوء استفاده مستکبران عالم قرار گرفته است. آن بانوی بزرگوار با کمال هشیاری به این حربه یزید می‌تازد و وی را در میان افکار عمومی به محاکمه می‌کشد که: تو که در جایگاه پیامبری نشستهای که

مظهر عدالت بود، آیا چنین عدالت را اجرا می‌کنی؟!

آن حضرت آنگاه به مفهوم عدالت یزیدی پرداخت و آن را به صورت شایسته‌ای برای آیندگان ترسیم فرمود و با ندای رسا اعلام کرد که آیا معنای عدالت در قاموس اهل باطل، این است که فرزند آزادشدگان، زنان و کنیزان خود را در پس پرده و حجاب نگه داشته؛ اما دختران رسول خدا(ص) را هتک حرمت کنند و آنان را در کوچه و بازار به عنوان اسیر جنگی بگردانند؟! آری این توقع بی جایی است که زینب کبری(س) از فرزند هند جگرخواره داشته باشد. (پاک نیا - 1389 - ش 129 - برگرفته از سایت ذی طوی)

6) یزید از سلاله ناپاکان

حضرت زینب (س) یزید را «فرزند طلقا» خطاب نمود و آن اشاره به داستان فتح مکه است که پیامبر اسلام(ص) بزرگان مکه را که ابوسفیان، جد یزید هم از آنها بود، عفو کرد و بخشید و آنان را آزاد کرد و فرمود: «ذهبوا فانتم الطلقا» (منصوری لاریجانی - 1378 - ص 154)

« و چگونه می توان به دلسوزی و مهربانی کسی که مادرش جگر پاکان را جویده و گوشتش از خون شهیدان روئیده است، چشم امید داشت؟! » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 239)

زینب کبرا(س) با طرح و عنوان این مسئله می خواهد این نتیجه را بگیرد که آل ابوسفیان در اصل با اسلام مخالف اند و هرگز با اسلام و پیامبر(ص) آشتی نکرده اند. فرزندان ابوسفیان این کینه را سینه به سینه، به یکدیگر منتقل کردند و یزید بر این زخم مرهم گذاشت. این جنگ، در واقع جنگ کفر و ایمان و جنگ غرور جاهلیت با تمامی ارزش های اسلام قلمداد می شود و در ادامه به یزید یادآور می شود که جایگاه اجداد تو در جهنم است: « تو نیز به زودی به آنان خواهی پیوست و آرزو کنی که ای کاش دستت خشک شده بود و زبانت لال و آن سخن را نمی گفتی و آن کار زشت را انجام نمی دادی. » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 239 و اسفندیار - 1387 - ص 50 - برگرفته از سایت حوزه)

7) منزلت حجاب

عقیله بنی هاشم فرمود: «ای پسر آزادشدگان! آیا از عدل است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی، ولی دختران رسول خدا (ص) را اسیر نموده و پرده آبرو و حرمت آن ها را بدری؟! و صورت آن ها را بگشایی و ایشان را در چنگال دشمن گذارده از سرزمینی به سرزمین دیگر و از منزلی به منزلی ، صورت آن ها را به دور و نزدیک و آشنا و بیگانه و فرومایه و شریف بنمایانی؟! درحالی که از مردان آنان کسی به همراهشان نیست، نه یاور و نه نگهدارنده و نه مددکاری.» (سید ابن طاووس - 1385 - ص 237)

حضرت زینب(س) حجاب و عفتی کامل داشت و همچون مادرش فاطمه زهرا(س) به این امر مهم بسیار اهتمام می ورزید. «علامه مامقانی» در این باره فرموده است: زینب(س) در حجاب و عفاف یگانه است، احدی از مردان در زمان پدرش و برادرانش، تا روز عاشورا او را ندیده بودند.

«یحیی مازنی» که یکی از علمای دوران خود بود، می گوید: من در مدینه مدت مدیدی در همسایگی حضرت علی(ع) بسر می بردم، اما به خدا قسم ابدا زینب(س) را ندیدم و حتی صدای او را هم نشنیدم.

حضرت زینب(س) نه تنها در حالتی عادی به حجاب و عفت اهتمام داشتند، بلکه در بحرانی ترین لحظات زندگی نیز این خصیصه تحت الشعاع مشکلات و مصایب قرار نگرفت و این مخدره، سعی و کوشش فراوان می کرد تا از انظار و دیده های مردم پوشیده باشد. (الهی - 1375 - صص 99 - 100)

8) دعا سلاح مظلوم

از دعاهایی که هیچ شکی در مستجاب شدنش نیست، دعای مظلوم است. رسول خدا(ص) می فرماید: «ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَّا شَكَّ فِيهِنَّ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَ...؛ سه دعا است که بدون شک، اجابت می شود: [یکی] دعای مظلوم است و...» (مجلسی - 1364 - ج 71 - ص 84)

در اینجا شیر زن خاندان رسالت نیز در اوج مظلومیت، با توسل به سلاح دعا، از محضر حضرت حق، دادخواهی می کند و می فرماید: «اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا وَانْتَقِمْ مِمَّنْ ظَلَمْنَا وَ أَحْلِلْ غَضَبَكَ بِمَنْ سَفَكَ دِمَاءَنَا وَ قَتَلَ حُمَاتِنَا؛ پروردگارا! حق ما را از دشمنان بگیر و از آن هایی که به ما ظلم کردند انتقام بکش و آتش خشم خود را بر کسانی که خون ما را ریختند و مردان ما را کشتند، فرو فرست.» (سید ابن طاووس - 1385 - ص 239)

و خطاب به طاغوت زمان می گوید: «فَوَ اللَّهُ مَا فَرَيْتَ إِلَّا جِلْدَكَ وَ لَا حَزَزْتَ إِلَّا لِحِمِّكَ؛ به خدا سوگند که پوست خود را شکافتی و گوشت بدن خود را پاره پاره کردی.» (سید ابن طاووس - 1385 - ص 239 و پاک نیا - 1389 - ش 129 - برگرفته از سایت ذی طوی)

9) فرهنگ شهادت

از منظر قرآن و اهل بیت(ع) مقام شهادت، رفیع ترین مقامی است که یک بنده شایسته به آن نایل می شود. رسول گرامی اسلام(ص) در این باره می فرماید: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ؛ بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا اینکه شخص در راه خدا به شهادت برسد. هنگامی که در راه خدا به شهادت رسید، دیگر بالاتر از آن نیکی وجود ندارد.» (کلینی - 1407 - ج 2 - ص 348)

حضرت علی(ع) هم همواره آرزوی رسیدن به چنین مقامی را داشت و می فرمود: «إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَ الَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مِيتَةٍ عَلَيَّ عَلَى الْفِرَاشِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ؛ همانا، گرامی ترین مرگها کشته شدن [در راه خدا] است. قسم به آنکه جان پسر ابوطالب در دست اوست، هزار مرتبه ضربت شمشیر خوردن، بر من آسان تر است، تا در بستر مردن در غیر طاعت خدا.» (نهج البلاغه - خطبه 123)

حضرت زینب(س) در فرازی از خطبه به مسئله مرگ در راه خدا اشاره دارد و مرگ یک مجاهد را پایان زندگی نمی داند. فریاد سفیر کربلا در طول اسارتش همین است که بر همگان ثابت کند که در منطق حسین(ع) شکست راه ندارد و شهادت یک روی سکه است و پیروزی روی دیگر آن.

به عبارتی، مرگ در راه خدا و پیروزی، هر دو از نظر مبارز اسلامی، یکسان است. او خود را مأمور به تکلیف می داند، خواه بر دشمن فائق آید و خواه شهادت او را در آغوش کشد. زینب کبری(س) در پاسخ به پیاوه گویی های یزید به آیه زیر تمسک می جوید:

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون؛ گمان مبرید آنانکه در راه خدا کشته شدند، مرده اند، آنان زنده اند و در نزد خداوندشان روزی می خورند. (آل عمران / 169)

زینب کبری (س) در تئوری مبارزات مکتبی خود، روح شهادت طلبی را مرکز ثقل حرکت و قیام اسلامی قرار می دهد و آن را رمز پیروزی و بقا و ثبات حکومت اسلامی در طول تاریخ می داند. (اسفندیار - 1387 - ص 50 - برگرفته از سایت حوزه)

10 تحقیر دشمن

بانوی با شهامت خاندان وحی در فرازهای آخر به بازی شگفت انگیز روزگار اشاره می کند و با مثالهایی شایسته و مناسب اندیشه های غلط طاغوت صفتان را توضیح می دهد و با توکل به خدای متعال به جاودانگی یاد و خاطره و پیام حماسه سازان عاشورا می پردازد و عجز و ناتوانی ستمگران را در مقابله با این فرهنگ آسمانی خاطرنشان می شود.

او در مقابل طاغوت ستمگری که تمام ممالک اسلامی را زیر سیطره قدرت خود دارد، چنان با شهامت سخن می گوید که ارکان قدرت او و تمام وجودش را به لرزه در می آورد و می فرماید: « و اگر چه شداید و فشارهای روزگار مرا در شرایطی قرار داد که با تو سخن بگویم، اما من تو را کوچک می شمردم و بسیار سرزنش و توبیخ می نمایم، ولی چشم ها گریان و سینه ها سوزان است. » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 241)

« وَ سَيَعْلَمُ مَنْ سَوَّلَ لَكَ وَ مَكَتَكَ مِنْ رِقَابِ الْمُسْلِمِينَ بئسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا وَ أَيُّكُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَ أضعفُ جُنْدًا؛ و بزودی آن کسانی که تو را بر این مقام نشانند و راه را برایت هموار نمودند و بر گردن مسلمانان سوار کردند، خواهند دانست که پاداش ستمکاران چه بد پاداشی است و خواهند دانست که کدام یک از شما بدتر و سپاه کدام یک ناتوان تر است. » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 241 و پاک نیا - 1389 - ش 129 - برگرفته از سایت ذی طوی)

11 افشای ماهیت دشمن

حضرت زینب در فرازی از خطبه می فرماید: « أَلَا فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِقَتْلِ حِزْبِ اللَّهِ النَّجْبَاءِ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ الطَّلَفَاءِ؛ هان! شگفتا که حزب خدا و بزرگان دین به دست حزب شیطان و آزادشدگان کشته شوند. » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 240 - 241)

زینب کبری (س) یزید را از گروه شیطان و بانی این فاجعه را مردان شیطان صفت می داند. حضرت زینب (س) از اینکه یزید و عمالش را حزب الشیطان می خواند، درصدد است او را خلع سلاح کند و با ترسیم خط حزب الله در مقابل حزب الشیطان یزید را دشمن قرآن و خط راستین پیامبر (ص) معرفی کند. (منصوری لاریجانی - 1378 - ص 164)

عقیله بنی هاشم ادامه می دهد: « و دست نحس آنان به خون پاک ما آلوده شود، و دهان های پلیدشان از شیره گوشت های ما بدوشد و بنوشد » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 241)

در این بخش، اشاره ظریف حضرت، به تمام ظلم ها و حق کشی های بنی امیه و ابوسفیان تا زمان شهادت امام حسین (ع)، است.

همچنین حضرت زینب (س) می خواهد ثابت کند که اگر باطل به ظاهر قدرتی دارد، بدان جهت است که نقاب حق را به چهره گرفته است و به ظاهر خود را حامی قرآن و جانشین پیامبر (ص) می داند. (اسفندیار - 1387 - ص 50 - برگرفته از سایت حوزه)

عقیله بنی هاشم پیشینه خانوادگی یزید را در جمع سران و بزرگان محفلش آشکار ساخت و یادآور شد خاندان یزید یا آل سفیان هیچ گاه با اسلام و پیامبر رابطه خوبی نداشته اند، در ادامه ثابت کرد جنگ یزید با برادرش، جنگ قومی و یا ملی و یا حتی رقابت

برای رسیدن به قدرت نبود بلکه جنگ کفر و ایمان و جنگ غرور جاهلیت با تمامی ارزش های اسلامی است. (فرامرزی - 1385 - ص 22- برگرفته از سایت حوزه)

12) پیش بینی و خبر غیبی از آینده

آن گرامی در ادامه خطبه، از آینده دردناک یزیدیان خبر داده است و فردای درخشان حماسه آفرینان عاشورا و پیروزی همیشگی مرام حسینی را نوید می دهد و به دشمن نهیب می زند که: «فَكِدْ كَيْدَكَ وَ أَسْعَ سَعْيَكَ وَ نَاصِبُ جُهْدِكَ فَوَ اللَّهُ لَا تَمُحُونَ ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيتُ وَحْيَنَا وَ لَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا وَ لَا تَرَحُّصُ عُنْكَ عَارَهَا؛ ای یزید؛ پس هر نیرنگی که داری به کار گیر و هر تلاشی که می توانی بنما و هر کوششی که داری انجام بده. به خدا سوگند یاد ما را از دل ها محو نخواهی کرد و وحی ما مردنی و از بین رفتنی نیست، به جلال ما هرگز نخواهی رسید و این لکه ننگ را از خود نتوانی شست!»

« وَ هَلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَنَدًا وَ أَيَّامَكَ إِلَّا عَدَدًا وَ جَمْعَكَ إِلَّا بَدَدًا يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ رای و نظر تو بی اعتبار و ناپایدار، زمان دولت و حکومت تو اندک و جمعیت تو به پریشانی خواهد کشید، در آن روزی که هاتفی فریاد زند: لعنت خدا بر گروه ستمکاران باد.» (سید ابن طاووس - 1385 - صص 240 - 241)

این سخنان که همه خبرهای غیبی است و از زبان یادگار رسول خدا(ص) تراوش می کند، بخش دیگری از شخصیت زینب کبری(س) را آشکار می کند. آن سلاله روشن بین علوی و فاطمی، در آن موقعیت حساس و تاریخی - که هیچ سخنور ماهری، حتی قادر به تعادل در گفتار نیست - چنان با اعتماد به نفس عمیقی خبر از آینده داده و طوری پیش بینی دقیقی می کند که ما بعد از صدها سال نتایج آن را به وضوح مشاهده می کنیم. آری امروزه پیش بینی حضرت زینب(س) به وقوع پیوسته و دشمنان امام حسین(ع) خوار و رسوا شده و عظمت نام و یاد و حماسه حسینی(ع) همه عالم را فرا گرفته است.

زینب کبرا(س) بر این مطلب تأکید دارد که محققاً کسانی که در راه خدا مبارزه می کنند و منافع شخصی خود را فدای آرمان های مقدس الهی می کنند، آثار جاویدان حرکت و جهادشان به نحو گسترده ای در تاریخ می درخشد و هیچ گاه اثر عمل ایثارگرانه آنها محو نمی شود. (پاک نیا - 1389 - ش 129 - برگرفته از سایت ذی طوی)

13) افتخار به مقام شهادت

سرانجام، عقیده بنی هاشم، بانوی سخنور و خطیب قدرتمند خاندان وحی، با افتخار تمام به شهادت عزیزانش در راه خداوند متعال می بالد و با سپاس و تقدیر از منزلت والای خاندانش خطابه تاریخی خود را به پایان می برد: «فَأَلْحَمِدُ لِلَّهِ الَّذِي خَتَمَ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ لِآخِرِنَا بِالشَّهَادَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ نَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُكْمِلَ لَهُمُ التَّوَابَ وَ يُوجِبَ لَهُمُ الْمَزِيدَ وَ يُحْسِنَ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ إِنَّهُ رَحِيمٌ وَدُودٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ؛ اکنون سپاس خدایی را که ابتدای کار ما را به سعادت و مغفرت قرار داد و پایان آن را به شهادت و رحمت ختم نمود. و از خدا می خواهیم که ثواب خود را بر شهیدان ما تکمیل فرماید و اجر و مزد آنان را افزون سازد و جانشینی ما را از آن ها نیکو قرار دهد؛ زیرا او خداوند بخشنده و مهربان است و او پناهگاه ما است و ما را کافی است و او نیکو و کیلی است.» (سید ابن طاووس - 1385 - صص 240 - 241)

تحلیل بافت ساختاری خطبه

خطبه حضرت زینب(س) در مجلس یزید، به دلیل موقعیت خاص آن، اقتضای اسلوبی استدلالی و برهانی را داشت . بررسی بافت متنی این خطبه به خوبی نشان می دهد که حضرت زینب(س) با موقعیت شناسی ویژه خود و به کارگیری اسلوبی

متناسب با شرایط، توانست رسالت خود را به بهترین شکل به انجام برساند. از ویژگیهای ساختاری این خطبه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1) چهار چوبی استوار

چهار چوبی ساده ولی استوار که در آن، الفاظ و عبارات همراه با موسیقی آرام در حرکت اند. به کارگیری این اسلوب بدان جهت است که موقعیت خطبه ایشان، برهان و استدلال را اقتضا می کند و در اسلوب برهانی، الفاظ و عبارات ساده و با آهنگی آرام به کار می روند .

« أظننت يا يزيد، حيث أخذت علينا أقطار الارض و آفاق السماء، فأصبحنا نساق كما تساق الاماء، ان بنا على الله هواناً، و بك عليه كرامة؟ » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 236)

2) برجسته ساختن جملات آهنگین در مواقع خاص.

به عنوان مثال، آنجا که حضرت زینب (س) می خواهد شدت تعجب خود را از کشته شدن پیروان خداوند توسط پیروان شیطان و آلوده شدن دستان به خون آنها و خون چکان شدن دهانها از گوشت آنها و خورده شدن جثه های پاکشان توسط گرکها در بیابان و پاره پاره شدنشان توسط کفتارها ... بیان کند، از عباراتی آهنگین کهبامعانی تناسب دارن استفاده می کند .

« الا فالعجب كل العجب، لقتل حزب الله النجباء بحزب الشيطان الطلقاء . فهذه الايدي تنضح من دماءنا و الافواه تتحلّب من لحومنا و تلك الجثث الطواهر الزواكي تتناهبها العواسل و تعفوها أمّهات الفراعل ... » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 240)

یا در جایی دیگر آن گاه که می خواهد تأکید کند که تو ای یزید، هرگز نخواهی توانست یاد ما را پاک کنی و اینکه روزگار تو اندک است، از جملات مداوم با آهنگی کوبنده استفاده می کند .

« فوالله لا تمحونّ ذكرنا و لا تميت وحيننا و لاتدرک آمدنا و لا ترحض عنك عارها. و هل رأيك الا فندا و أيامك الا عدا و جمعك الا بددا ؟ » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 240)

یا آنجا که با استفهامهای انکاری بی در پی، از یزید می پرسد که آیا گمان می کنی که الان که ما را همچون کنیزان اسیر کرده ای و دنیا به تو روی آورده، دیگر تو نزد خدا عزیز و ما ذلیل هستیم و بعد یک دفعه با فریاد کوبنده: « فمهلا مهلا ... » (سید ابن طاووس - 1385 - ص 236) یزید را از خواب خوش بیدار و متوجه آیات خداوند متعال می کند .

3) کاهش صور خیالی

کاهش صور خیالی همچون تشبیه و استعاره، نسبت به خطبه ایشان در میان مردم کوفه .

4) روش استدلالی و برهانی به جای روش تأثیر گذاری عاطفی .

حضرت زینب(س) استشهاد به آیات قرآن و توجه کردن به گذشته تاریخی اهل بیت و بنی امیه را مرکز اصلی استدلال خود قرار می دهد؛ چرا که اگر چه یزید و اصحاب او به قتل فرزند رسول خدا دست یازیدند، ولی بهانه آنها در ظاهر، خارج شدن حسین (ع) و بارانش از دین محمد(ص) بود؛ همان طور که این اقدام را عذابی از جانب خداوند بر اهل بیت و عزتی برای بنی امیه می دانستند. پس حضرت زینب(س) در مواردی چند، تهمتها و دسیسه های آنها ربا موقعیت سنجی باطل می کند که برای مثال، به دو نمونه اشاره می شود:

-آنجا که یزید وحی خدا را مورد تمسخر قرار می دهد، حضرت زینب با استشهاد به آیه 10 سوره روم که می فرماید «سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند، این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند.» تمسخر آیات الهی را نتیجه طبیعی زیادی گناهان او می داند .

- اشاره به اصل و نسب که پدران او آزادشدگان رسول الله (ص) بودند و پدرش معاویه که فرزند هند جگر خوار بود و در مقابل ذکر اصل و نسب اهل بیت (ع) که به رسول الله (ص) بر می گردد و حسین (ع) که پیامبر او را سید شباب اهل الجنة خوانده است و الان یزید با این اصل و نسب، سرور جوانان بهشتی را به جرم خروج از دین، به شهادت می رساند!! «أمن العدل یا ابن الطلقاء، تخدیرک اماءک و نساءک و سوقک بنات رسول الله (ص) سیایا؟» (سید ابن طاووس - 1385 - ص 236)، «و کیف ترتجی مراقبه من لفظ فوه اکباد الازکیاء و نبت لحمه بدماء الشهداء؟!» و «منتحياً علی ثنایا اُبی عبداللهسید شباب اهل الجنة تنکتها بمخصر تک» (سید ابن طاووس - 1385 - ص 238)

(روشنفکر و محمدی - 1389 - ش 22- برگرفته از سایت راسخون)

5) بهکارگیری اصول روان شناسی.

لازم به ذکر است گرچه اصول روانشناسی در تبلیغ به صورت کلاسیک از ابتکارات علوم معاصر است ولی در تبلیغات اصیل آسمانی نیز مورد توجه قرار گرفته است و سیره رهبران و ائمه اطهار علیهم السلام نشان می دهد که آنان در تبلیغ به اصول روانشناسی فردی و اجتماعی توجه کامل داشته اند. حضرت زینب (س) نیز، در امر رساندن پیام امام حسین (ع) به جهانیان از این اصول از جمله تحقیر دشمنان، تکریم دوستان، تحریک عواطف و مخاطب شناسی استفاده نموده است. ایشان در فرازی از خطبه آتشین خود در خطاب به یزید به معرفی یزید، پدر، جد و جده اش می پردازد و بر اصالت خاندان خود تاکید می ورزد و می فرماید: «وکیف ترتجی مراقبه من لفظ فوه اکباد الازکیاء و نبت لحمه بدماء الشهداء» (مجلسی - 1364_ ج 45_ صص 133-135) (سید ابن طاووس - 1385 - ص 238) «و چگونه توقع و امید دلسوزی از آن کسی باشد که دهانش جگر پاکان را جوید و بیرون انداخت و گوشتش از خون شهیدان روئید. «ایشان هم چنین اصل مخاطب شناسی را کاملاً رعایت کرده است، زیرا در شام و در مجلس یزید، چون خواص حضور دارند و همه دارای آگاهی نسبت به امور هستند لحن خطاب شان فرق می کند. (شریفی - 1379 - ص 31- برگرفته از سایت حوزه)

6) مدیریت بحران.

در جنبه مقام علمی اش علاوه بر توانایی برای ایراد خطبه ها نکته ظریف و اساسی وجود دارد و آن تصمیم گیری ها و موضع گیریهای به جا در مناسبت های لازم و مدیریت بحران ایشان است؛ که خوب می دانست کجا باید نرم سخن گفت، در کجا باید برآشف و حماسه آفرید و چه وقت باید عقل و منطق را به کار گرفت. (مجلسی - 1385 - ج 1)

7) فصاحت و بلاغت.

علم و آگاهی همراه با فصاحت از ویژگی هایی است که بندرت در کسی جمع می شود ولی این خصوصیات در حضرت زینب جمع بود. ایشان با علم و بیان فصیحی که داشتند، بطور شفاف ظلم و عداوت یزید و حکومت یزیدیان را برملا ساختند و باعث آگاهی مسلمین از واقعیت کربلا گشتند. (محللاتی - بی تا - ص 52)

تأثیرات خطبه حضرت زینب(س)

در بررسی تأثیرات این خطبه، می‌توان به نقش مهم و غیر قابل انکار آن در بیان رسالت کربلا و جلوگیری از تحریف آن توسط یزیدیان اشاره کرد و برای درک بیشتر این تأثیرات، می‌توان به روایات و کلام برخی از مورخین مسلمان و حتی غیر مسلمان استناد کرد.

در مورد تأثیر خطبه ایشان در مجلس یزید، مورخان آن را از عوامل مهم سقوط حکومت بنی امیه دانسته‌اند. کورت فریشلر در کتاب خود با نام امام حسین و ایران، در مورد خطبه ایشان در مجلس یزید می‌نویسد: «هنوز صحبت زینب، دختر علی بن ابی طالب، تمام نشده بود و کسانی که در مجلس یزید بن معاویه حضور داشتند، به دقت، سخنان آن زن را می‌شنیدند و از شجاعت وی حیرت می‌کردند. تا آن روز کسی جرأت نکرده بود که آن طور صریح و بدون پرده، ظلم و فسق و رشوه خواری دستگاه خلافت یزیدبن معاویه را روبه رو، با حضور عده‌ای زیاد شاهد و مستمع با او بگوید.» (فریشلر - 1362 - ص 520)

سپس در مورد تأثیر این خطبه می‌گوید: «نطق زینب(س)، دختر علی بن ابی طالب، طوری حکومت اموی را متزلزل کرد که حتی در زمان خود یزیدبن معاویه مردم مدینه، یعنی مردم همان شهری که اسلام از آنجا قوت گرفت و توسعه به هم رسانید، بر ضد حکومت اموی شورش کردند. سه نفر که هر سه علمدار شورش علیه حکومت اموی شدند، آن روز در مجلس یزید حضور داشتند. یکی از آنها فضل بن عباس بن ربیعہ بود که بعد از مراجعت به مدینه، علم شورش را بر افراشت و کشته شد. دیگری عبدالله بن زبیر بود که بعد از شورش فضل بن عباس بن ربیعہ در مدینه و کشته شدن او، در مکه شروع به طغیان کرد و مردم مکه را علیه یزید بن معاویه شورانید. سومین شخص مختار بن ابی عبیده ثقفی بود و می‌توان گفت که آن سه نفر اگر آن روز در مجلس یزید حضور نداشتند و نطق زینب را نمی‌شنیدند، مبادرت به شورش نمی‌کردند. اگر چه شورش مختار بن ابو عبیده ثقفی بعد از مرگ یزیدبن معاویه آغاز شد، ولی باز آن مرد تحت تأثیر نطق زینب(س) قرار گرفت.» (فریشلر - 1362 - ص 524)

اسد حیدر می‌گوید: «زینب یزید را به گونه‌ای خطاب قرار داد که او را از آن خونسردی ظاهری بیرون کشید و او همچون بنده‌ای گناهکار بود که در دست بانوی بزرگوار است و مورد سرزنش و ملامت قرار می‌گیرد.» (حیدر - بی تا - ص 347)

اعتراف اهل سنت به فصاحت و بلاغت

دانشمندان و نویسندگان و جامعه اهل سنت، زینب کبری (س) را عزیز و گرامی می‌دارند و با تمام وجود در برابر شخصیت آن حضرت کرنش می‌نمایند و اعتقاد درونی خویش و خضوع و خشوع خود را بر زبان و قلم اظهار می‌کنند. اینک از باب ذکر نمونه سخنان بعضی از شخصیت‌های اهل قلم جامعه اهل سنت را که مربوط به خطبه ایشان در مجلس یزید است می‌آوریم:

الف) شیخ عزالدین معروف به ابن اثیر جزری می‌نویسد: «زینب تنها خانم متفکر و دانشمندی بود که از قوت فکر بالایی برخوردار بود. پدرش وی را به ازدواج عبدالله بن جعفر درآورد. خداوند به وی فرزندان عنایت کرد که نام آنان علی، عون اکبر، عباس، محمد و ام کلثوم بوده است. او در واقعه کربلا همراه برادرش حسین بن علی بود. بعد از شهادتش به همراه قافله روانه شام گشت و در برابر یزید بن معاویه خطبه‌ای شیوا و پرمعنی ایراد کرد که در کتابهای تاریخی ذکر شده. ایراد آن خطبه درایت و عقل و اندیشه و قدرت بالای قلبی وی را می‌رساند.» (نقدی - بی تا - صص 19 - 18)

ب) استاد محمد فرید وجدیمی نویسد: « زینب، دختر علی بن ابی طالب، از جمله زنان بافضیلت و بزرگواری است که دوران‌دیشی و فکر با عظمتی داشت. به دستور یزید بن معاویه، آن خانم را به همراه دیگر اسراء به شام و شهرهای مختلف بردند که در شام زینب کبری در برابر یزید خطبه ای غراء خواند.» (ابن اثیر - بی تا - ج 7 -)

ج) محمد غالب شافعی مصری: او که از نویسندگان مقتدر مصری است در مجله « الاسلام » سال اول شماره 27 علاقه و عشق خود را به زینب چنین می نگارد: « یکی از بزرگترین زنان اهل بیت از نظر حسب و نسب و از بهترین بانوان طاهره که دارای روحی بزرگ و مقام تقوا و آئینه سر تا پا نمای رسالت و ولایت بوده، حضرت سیده زینب دختر علی بن ابی طالب می باشد که به نحو کامل او را تربیت کرده بودند و از سینه علم و دانش خاندان نبوت سیراب گشته بود. به حدی که در فصاحت و بلاغت، یکی از آیات بزرگ الهی گردید و در حلم و کرم و بینایی و بصیرت و تدبیر کارها در میان خاندان بنی هاشم و بلکه عرب مشهور شد و میان جمال و جلال و سیرت و صورت و اخلاق و فضیلت را جمع کرده بود. شبها در حال عبادت و روزها را روزه داشت و به تقوی و پرهیزگاری معروف بود.» (شافعی - ج 4 - صص 796 - 795)

نتیجه

با بررسی های انجام شده پیرامون موضوع مربوطه این نتایج حاصل شد:

- 1) حضرت زینب (س) با ایراد خطابه تاریخی، حماسی، علمی و فنی خود بخشی از کمالات خویش را آشکار نمود.
- 2) شجاعت و دلاوری، فصاحت و بلاغت، علم تفسیر، فن خطابه، روان شناسی، تربیت و سیاست مداری برخی از جلوه های کمالات ایشان در این خطابه است.
- 3) تلاش برای احیای حق و اصلاح جامعه، تحریک مردم علیه فساد و ستم، تبلیغ در زمان اسارت و داشتن استقامت و اراده قوی برخی از صفات برجسته و کمالات وجودی عقیده بنی هاشم (س) در این خطبه بوده است.
- 4) حضرت زینب (س) در این خطابه چهره واقعی بنی امیه را به مردم معرفی و از تحریف حادثه کربلا با بیان اهداف و انگیزه های دشمن پیشگیری نمودند.
- 5) ایشان با به کارگیری تدبیر درست و دقیق توانستند آثار تبلیغات پنجاه ساله بنی امیه علیه حضرت علی و اهل بیت (ع) را محو نمایند.

راهکار و پیشنهاد

1 با توجه به اینکه حسینیه مرکزی شهر ما، آرامگاه پنج شهید خوش نام است پیشنهاد می شود در کنار حضور معنوی ایشان با در اختیار گذاشتن آثاری در رابطه با موضوع این مقاله ، ضمن آشنایی جوانان با این شهدای عزیز به نشر اهداف آن حضرت نیز اقدام نماییم.

2 علاوه بر آن توصیه می شود برای آشنایی دانشجویان و طلاب و ...فیلم های آموزشی و هم چنین نرم افزارهایی حاوی کتب مختلف و مرتبط با چنین موضوعاتی در اختیار مدارس و دانشگاه ها و کتاب خانه های عمومی قرار داده شود تا مراجعه کنندگان علاوه بر آشنایی با فرهنگ عاشورا و تطبیق آن با مسائل روز سیاسی به راحتی و در کمترین زمان از آن استفاده نمایند.

3 امید است با برگزاری همایش هایی در این رابطه و ساخت برنامه های گفت و گو محور و تحلیل این موضوع توسط کارشناسان و متخصصان در شبکه پنج سیمای استانی کمک شایانی به شناخت ابعاد مهم این اثر نماییم.

انشاءالله...

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

کتاب

- 1) اربلی، علی بن عیسی (بی تا) ، کشف الغمّه ، تبریز: مکتبه بنی هاشم
- 2) اسد، حیدر (بی تا) ، مع الحسین (ع) فی نهضة، ترجمه محمد جواد مرعشی نجفی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات
- 3) الهی، حسن (1375)، زینب کبری عقيله بنی هاشم (چاپ اول)، تهران: موسسه فرهنگی آفرینه
- 4) جبل عاملی، محسن (بی تا)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف
- 5) جزری، ابن اثیر (بی تا)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه ، بی جا
- 6) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1374)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن ، تهران: مرتضوی
- 7) سید بن طاووس (1385)، لهوف (چاپ نهم) قم: انتشارات نبوغ
- 8) شافعی مصری، محمد غالب (بی تا) دائرة المعارف القرن العشرين ، بی جا
- 9) شجاعی، مهدی (1382)، آفتاب در حجاب (چاپ پنجم)، بی جا: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- 10) شیخ مفید، محمد بن محمد مفید (1413)، امالی ، ترجمه علی اکبر غفاری و حسین استادولی قم: کنگره شیخ مفید
- 11) عمید، حسن (1386)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- 12) فریشلر، کورت (1362) امام حسین و ایران، تهران: انتشارات جاویدان
- 13) کلینی، محمد بن یعقوب ابن اسحاق (1407)، الکافی، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- 14) مجلسی، محمد باقر (1364)، بحار الانوار، ترجمه جواد نجفی، تهران: الاسلامیه
- 15) مجلسی، محمد باقر (1385) ، سفینه البحار، ترجمه حسین بن علی نمازی و علی نمازی شاهرودی قم: جامعه مدرسین حوزة علمیه دفتر انتشارات اسلامی

16) محلاتی، ذبیح الله (بی تا)، ریاحین الشریعہ، تهران: دارالکتب الاسلامیہ

17) معین، محمد (1386)، فرهنگ لغت فارسی، تهران: انتشارات ساحل

18) منصورى لاریجانی، اسماعیل (1378)، زینب کبری فریادی بر اعصار (چاپ اول)، تهران: مرکز نشر فرهنگی آیه

19) نقدی، جعفر (بی تا)، زینب کبری، بی جا

20) هاشمی نژاد، سید عبدالکریم (1383)، درسی که حسین به انسان ها آموخت، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی

آدرس الکترونیکی

21) اسفندیار، سرور، اصول مبارزه عاشورایی در خطبه حضرت زینب (س)، مجله خانواده و زنان، ش 204، اسفند 1387

www.hawzah.net

22) امینی، محمد تقی، شهریار، بهاره و شیرازی پور، محمد، مدیریت بحران و نقش آفرینی حضرت زینب (س) در واقعه کربلا،

تیر 1391

www.daneshgahnews.com

23) پاک نیا تبریزی، عبدالکریم، سخنرانی حضرت زینب در شام و پیام های آموزنده آن، ماهنامه مبلغان، ش 129، اسفند 1389

www.zitova.ir

24) ذبیحی، معصومه، بررسی نکته های پنهان در زندگی حضرت زینب (س)، فروردین 1388

www.zeynaby.com

25) رحیم پور، طاهره، آثار خطبه های حضرت زینب (س) بعد از واقعه کربلا، اردیبهشت 1389

<http://drazghadi.blogfa.com>

26) روشنفکر، کبری، محمدی، دانش، تحلیل گفتمان ادبی خطبه های حضرت زینب (س)، فصلنامه سفینه، ش 22، 1389

www.rasekhoon.net

27) شریفی، عنایت الله، شیوه های تبلیغی حضرت زینب (س)، مجله علمی خبری مبلغان، ش 4، اردیبهشت 1379

www.hawzah.net

28 فرامرزی کفاش، ریحانه، نگاهی به آموزه های سیاسی، اجتماعی حضرت زینب(س)، مجله خانواده و زنان، ش 173، مرداد 1385، www.hawzah.net